

موقعیت زنان در مجلات تخصصی جامعه شناسی

شاهلا اعزازی^۱

چکیده

جامعه شناسی به عنوان علم بررسی مناسبات انسانی به دلیل نادیده انگاشتن مسایل زنان همواره مورد نقد و ایراد است. مردانه بودن علوم اجتماعی و در حاشیه قرارگرفتن و یا نامریی بودن زنان در جامعه شناسی را در زمینه های متفاوتی از این رشته علمی می توان نشان داد. هدف این مقاله بررسی موقعیت زنان در نشریات تخصصی جامعه شناسی ایران است. با این هدف، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، نامه علوم اجتماعی دانشگاه تهران، نامه انجمن جامعه شناسی و فصلنامه « پژوهش زنان » دانشگاه تهران مطالعه شده اند.

نتایج بررسی حاکی از دوسطح تصمیم گیری در نشریات جامعه شناسی است. سطح تصمیم گیری عالی مانند شورای علمی که تا سال ۱۳۸۰ بر روی زنان بسته بود. در حالی که در سطوح پایین تر یعنی داوری، از تخصص های زنان استفاده می شود.

کلید واژه: تصمیم گیری، جامعه شناسی، زنان، مجلات تخصصی، موقعیت

^۱ استاد یار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی
shahlaEzazi@yahoo.com

مقدمه

دیدگاه های تازه جامعه شناسی که از چند دهه پیش مطرح شده اند ، جامعه شناسی سنتی را زیر سؤال می برند . پدران این علم با توجه به دگرگونی های به وقوع پیوسته در جامعه صنعتی و شهری نظریه پردازی کردند . در گذر از یک جامعه کشاورزی به جامعه صنعتی ، زندگی اجتماعی زنان و مردان نیز دگرگون شد . نوع کار از کشاورزی به صنعت و مکان زندگی از روستا به شهر تغییر یافت .

مسایل و مشکلاتی که تا آن زمان وجود نداشتند یا در حد ناچیزی مطرح بودند در شهرها به صورت مشکلات اجتماعی ظهور کردند . ، نهاد هایی نو بوجود آمدند و کارکرد نهاد های قدیمی مانند خانواده دگرگون شد . اوایل انقلاب صنعتی ، در جوامع شهری ، زندگی زنان و مردان دچار تغییر گشت اما جامعه شناسی نگاه خود را متوجه آن بعدی از زندگی اجتماعی کرد که مردان در آن دخیل بودند. نظریه پردازان جامعه شناسی نه تنها به مسایل و مشکلات زنان بی توجه بودند بلکه با طرح نظریه هایی، مسایل زنان را به صورت طبیعی و زیستی در نظر گرفتند .

جامعه شناسی در ابتدای پیدایش خود به عنوان علم بررسی مناسبات انسانی ، میان عرصه خصوصی و عرصه عمومی تفاوت قایل شد. آن چه در عرصه عمومی (جامعه) رخ می داد و مردان، بازیگران اصلی آن بودند از دید بنیانگذاران جامعه شناسی ، مهم تلقی و در مورد آن نظریه پردازی شد و سپس به عنوان مسایل مهم مورد پژوهش قرار گرفت . اما آن چه که در عرصه خصوصی (خانواده) رخ می داد و به موقعیت زنان و روابط میان افراد خانواده مربوط بود به صورت پدیده های طبیعی در نظر گرفته شد که به علت طبیعی بودن و دارا بودن پایه و اساس زیستی از دیدگاه جامعه شناسی ، بی اهمیت تلقی گردید. به عنوان مثال ، تقسیم کار میان زن و مرد در خانواده و یا نقش مادری به عنوان یک پدیده طبیعی مطرح شدند و از آنجا که پدیده ای زیستی بودند از دید جامعه شناسی اهمیت بررسی نداشت. در نتیجه این تقسیم بندی ، جامعه شناسی به ندرت به بررسی موقعیت زنان پرداخت .

مبحث خانواده ، یکی از موضوع های مورد توجه در جامعه شناسی بود اما به شکل معمول در این بررسی ها نیز از دیدگاه های نظری ویژه ای استفاده می شد و بیشتر از آن که به بررسی موقعیت زنان از دید خود آنان بپردازد ، تحت تاثیر ایدئولوژی خانواده حاکم بر جامعه شناسی بود. این ایدئولوژی خانواده را شامل زن، شوهر و فرزندان در نظر می گیرد، مرد را به عنوان سرپرست و نان آور خانواده و زن را به عنوان خانه دار تمام وقت مطرح می کرد و خانواده به عنوان مکان امن ، آسایش و پر از محبت و صمیمیت در نظر گرفته می شد . این تصویر از خانواده که تحت تاثیر دیدگاه کارکردگرایی برای دورانی طولانی در جامعه شناسی حاکم بود نه تنها با واقعیت های زندگی اجتماعی انطباق نداشت بلکه به مشکلات زندگی زنان نیز بی توجه بود و در صورت مشاهده مشکلی ، آن را در رده موارد استثنا طبقه بندی می کرد.

همان گونه که برای سال های طولانی وجود خشونت در خانواده را نفی می کرد و آن را ناشی از مراحل بحرانی و یا ویژگی های فردی عامل خشونت یا قربانی در نظر می گرفت . از طرف دیگر هرچند که زنان در محیط خانواده جای گرفته بودند اما شواهد متعدد مبنی بر حضور زنان در جامعه (اشتغال زنان) قابل انکار نبود حتی زمانی که نگاه متوجه موقعیت زنان در محیط کار می شد ، شاخص تعیین کننده، موقعیت مردان در اماکن شغلی بود و کمتر تجربه های متفاوت زن و مرد در جامعه و محیط کار مورد توجه قرار می گرفت. هرچند در بسیار از بررسی های اجتماعی از متغیر جنس برای طبقه بندی و جداکردن زنان و مردان استفاده می شد اما دیدگاه فمینیستی ادعا می کند که وجود این متغیر در بررسی ها بدون توجه به نابرابری قدرت میان زنان و مردان و بدون توجه به تحلیل روابط اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی تقسیم جنسیت در جامعه ، تنها به عنوان نوعی پرده پوشی برای وارد کردن زنان در تحقیق مطرح می شود (Bhavnani 1994 : 29)

گذشته از انتقادات نظری باید توجه داشت که چگونگی تحقیق نیز از جانب فمینیست ها زیر سؤال رفته است و این اعتقاد وجود دارد که برای بررسی مسایل زنان که منجر به بهبود موقعیت آنان در جامعه شود نمی توان با استفاده از روش های تحقیق رایج که بر اساس نظریه های مردانه بوده و یا از روش هایی که مناسب مردان ساخته شده است به نتیجه مطلوب رسید. (Becker – Schmidt, and H. Bilden, 1995) انتقاد عمده فمینیست ها به علوم گوناگون از جمله جامعه شناسی را می توان به این شکل مطرح کرد که زنان در جامعه شناسی مورد غفلت قرار گرفته اند . چه به عنوان افرادی که در این حوزه نظریه پردازی کرده اند و چه به عنوان موضوع بررسی از نظر جامعه شناسی. به عبارت دیگر ، زنان در جامعه شناسی یا نامریی بودند و یا در حاشیه به آنان پرداخته شد . آن چه که مورد درخواست است ایجاد نوعی جامعه شناسی است که نه « در مورد » زنان بلکه « برای » زنان باشد . تفکر ایجاد جامعه شناسی برای زنان با هدف ایجاد جهان بینی برای زنان به طور حتم با جنبه هایی از دگرگونی در شرایط اجتماعی همراه است . زیرا بی توجهی علوم به زنان به بقای ساختارهایی در جامعه کمک کرده که سبب ایجاد موقعیت نابرابر میان زنان با مردان در جامعه می گردد و برای از میان بردن این نابرابری ، انجام تغییراتی در ساختار های موجود ضرورت دارد .

جامعه شناسان و مسایل اجتماعی

جامعه شناسی به عنوان علم بررسی گروه ها و روابط اجتماعی می تواند با طرح مباحث مهم جامعه ، مسایل و مشکلات موجود را مشخص و بررسی نماید و با توجه به نتایجی که برای جامعه دارند ، آنان را تحلیل کند و در نهایت با استفاده از امکاناتی که در اختیار دارد مانند چاپ مقاله ، سخنرانی ، برگزاری همایش و میزگرد و ... نتایج بررسی ها را در اختیار سیاستگذاران ، برنامه ریزان و مدیران قرار داده و آنان را متوجه مشکلات سازد.

جامعه شناسان به طور معمول در دانشکده های علوم اجتماعی مشغول فعالیت، تدریس و پژوهش هستند. آنان در سازمانی رسمی مشغول کارند که دارای قواعد و مقررات خاص سازمانی برای پیشرفت شغلی است در نتیجه با توجه به اهمیتی که کار در زندگی افراد دارد آنان باید خود را با مقررات درون سازمانی انطباق دهند.

دانشگاه ها مانند سایر سازمان ها دارای سلسله مراتبی هستند که از موقعیت هایی با کمترین قدرت تصمیم گیری تا موقعیت های تصمیم گیرنده را در بر می گیرد. هرچند که در بیشتر دانشکده ها زنان به عنوان عضو هیات علمی حضور دارند اما به علت وجود سقف شیشه ای، کمتر به موقعیت های تصمیم گیرنده دسترسی دارند. تعداد زنان در سلسله مراتب دانشگاهی در رده هایی با مسئولیت کمتر و یا در حد تصمیم گیری های جمعی (داشتن یک رای در کنار آرای دیگر) است.

نگاهی ساده به ترکیب هیات علمی دانشکده های علوم اجتماعی مشخص می کند هر چند که علوم اجتماعی در بیشتر کشورها یکی از رشته های تحصیلی مطلوب زنان تلقی می گردد اما در دانشکده ها تعداد هیات علمی مرد بیشتر از زن است. در همان حال، پست های سازمانی که امکان تصمیم گیری را دارند نیز از سوی مردان اشغال شده است. مردان در بیشتر شوراها هستند و اگر زنان هم باشند در اقلیت قرار دارند. داده های مربوط به دانشکده های علوم اجتماعی دانشگاه های تهران، علامه طباطبایی و الزهرا تاییدکننده این ساختار است.

رییسان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی در دو دهه اخیر همواره از میان مردان انتخاب شده اند و در طول سالیان حیات این دانشکده همواره (تنها با یک مورد استثنا) معاونان مالی، اداری، آموزشی و پژوهشی را مردان تشکیل داده اند. برای سالیان طولانی رییسان گروه های آموزشی در دانشکده، تنها از مردان تشکیل شده است هرچند که از حدود دو سال پیش تا کنون سه رییس گروه زن نیز در این ترکیب حضور یافته اند.

در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران هم رییسان دانشکده همیشه مرد بوده اند تنها در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه الزهرا با رییس دانشگاه و رییس دانشکده علوم اجتماعی زن روبرو هستیم آنهم به دلیل اینکه دانشگاه ویژه دختران است.

بنابراین زنان نه تنها در موقعیت های تصمیم گیرنده قرار ندارند. بلکه افزون بر آن جامعه شناسان (زن و مرد) از طریق گذراندن دوره های تحصیلی در دانشگاه بیشتر با نظریه ها و روش های تحقیق جامعه شناسی سنتی آشنا می شوند و همان ها را هم تدریس می کنند. در نتیجه نمی توان تعداد بیشتر زنان در دانشگاه ها را توجه بیشتر به مسایل زنان تعبیر کرد. زیرا تنها جنسیت افراد مطرح نیست، چه بسا که برخی از مردان به مطالعه مسایل زنان علاقه مند باشند و زنان مخالف یا بی توجه به موضوع های زن نیز وجود دارند. آن چه می تواند سبب تغییر در مردانه بودن جامعه شناسی گردد نه تنها حضور بیشتر زنان در موقعیت های تصمیم گیرنده بلکه وجود جامعه شناسانی (زن یا مرد) در این موقعیت هاست که به اهمیت

بررسی در مورد مسایل و مشکلات مربوط به زنان و قوف داشته باشند . چون در این مقاله ، نگرش هیات علمی مد نظر نیست ، به آمار کمی حضور و مشارکت زنان و مردان در امور و گردش کار مجلات تخصصی جامعه شناسی پرداخته می شود .

مجلات تخصصی جامعه شناسی

در دانشگاه ها و دانشکده ها مانند هرسازمان دیگری بر روی کمیت و کیفیت فعالیت اعضا نظارت می گردد و ترفیع و ارتقای شغلی به قواعدی خاص وابسته است . یکی از موارد مهم برای اعضای هیات علمی ، تالیف مقاله در مجلات معتبر علمی است . مجلات تخصصی که از سوی دانشکده ها یا دیگر مراکز معتبر علمی منتشر می شوند به مهم ترین و تازه ترین پدیده های مربوط به رشته خود می پردازند . همچنین از آن جا که برای چاپ مقاله در این نشریات ، قواعد علمی منظور می شود در نتیجه مقالات درج شده در این نشریات از ویژگی علمی قابل قبول دانشگاه برخوردار بوده و امتیازی برای نویسنده آن محسوب می گردد .

نشریات تخصصی مانند هر نشریه دیگری دارای ساختاری متشکل از مدیر مسئول ، سردبیر و سایر افرادی است که در حوزه های فنی فعالند . همچنین هر نشریه دارای شورای علمی (یا تحریریه) نیز هست که در مورد گزینش مقالات ، چگونگی چاپ و خط مشی کلی نشریه تصمیم می گیرد . با توجه به گوناگونی مقالاتی که به نشریه ارایه می شود به طور معمول ، هر مقاله تخصصی برای گزینش به سه داور که در آن حوزه متخصص هستند ارایه شده و براساس برگه های ارزشیابی که دارای شاخص هایی در مورد چگونگی بیان مطلب ، نو و تازه بودن موضوع ، دیدگاه نظری مقاله ، روش تحقیق و ... است مورد داوری قرار می گیرند . نتیجه داوری در شورای علمی به بحث در می آید و گزینش پایانی صورت می گیرد .

هر نشریه ، شرط هایی برای نویسندگان خود دارد . برخی از این شرط ها به شکل و برخی هم به محتوای مقاله مربوط است . نویسندگان نه تنها مجبور به رعایت شکل تنظیم مقاله هستند بلکه تا حدودی باید خط مشی نشریه را هم در نظر بگیرند به عنوان مثال برخی نشریات ، از مقاله های ترجمه شده چندان استقبال نمی کند . یا احتمال دارد نشریه ای متمایل به مطالب نظری و نشریه ای دیگر علاقه مند به چاپ آثار پژوهشی باشد . نویسندگانی که مایل به گزینش مقاله خود برای درج هستند باید بر طبق نظر نشریه عمل کنند .

گزینش مقاله در رابطه با موقعیت های تصمیم گیرنده در نشریه است . مدیر مسئول و سردبیر به طور معمول ، بالاترین تاثیر را در گزینش دارند . در نشریات تخصصی به روال عادی ، رییس دانشکده که مدیر مسئول نشریه است ، سردبیر را انتخاب می کند . شورای علمی نیز از جانب این دو تن انتخاب می گردند . در مورد انتخاب داوران هم شورای علمی برای ارجاع مقاله تصمیم می گیرد . در نتیجه می توان گمان داشت که تا حدودی یک سنخیت میان افراد تصمیم گیرنده در شورای علمی وجود دارد .

بنابر این تعیین کننده خط مشی و سیاستگذار در اینگونه مجلات ، شورای علمی است و مقاله حاضر به بررسی ویژگی های ساختاری مجلات تخصصی جامعه شناسی می پردازد و سعی در مشخص کردن سهم زنان در ساختار نشریه و همچنین سهم مقالات مربوط به مسایل زنان در هر نشریه دارد .

هدف از بررسی

با توجه به دیدگاه های فمینیستی که بر مردانه بودن علوم اجتماعی و در حاشیه بودن یا نامریی بودن زنان در جامعه شناسی تاکید دارد سعی در تعیین موقعیت زنان در نشریات معتبر جامعه شناسی ایران است . در ابتدا با نگاهی به ساختار نشریات ، کوشش در تعیین سهم زنان در ساختار سازمانی می شود تا مشخص گردد که آیا در موقعیت های تصمیم گیرنده قرار دارند و اگر پاسخ مثبت است در کدام سطح تصمیم گیری جای دارند . مطلب دیگر ، تعیین سهم مقالات مربوط به زنان در این نشریات است . مسایل مربوط به زنان در کدام مقالات بررسی می شود و در همان حال به چه میزان از طرف چه کسانی و چگونه در نشریات انعکاس می یابند . بنابر این هدف ، بررسی تعیین موقعیت زنان در نشریات تخصصی جامعه شناسی با توجه به نکات زیر است :

۰۱ در ساختار سازمانی یک نشریه ، مشارکت زنان به چه شکل است ؟

سهم زنان در ساختار مجلات تخصصی چگونه است با توجه به ترکیب مدیر مسئول ، سردبیر، شورای علمی و داوران و نویسندگان بر حسب جنس

۰۲ سهم مقالات مربوط به زنان در هر نشریه چه اندازه است ؟

چند درصد از مقالات به مسایل زنان اختصاص دارد ؟

۰۳ ویژگی مقالات مربوط به زنان در این نشریات چیست ؟

نویسندگان مقالات ، زن یا مرد هستند . کدام یک از مسایل زنان بیشتر مورد توجه قرار گرفته است ؟ مقالات ، نظری هستند یا تحقیقی و کدام روش تحقیق به کار گرفته شده است ؟

مجلات تخصصی مورد بررسی

برای بررسی ، سه نشریه تخصصی جامعه شناسی انتخاب شدند : « نامه علوم اجتماعی » دانشگاه تهران به عنوان قدیمی ترین نشریه جامعه شناسی (شروع فعالیت از سال ۱۳۴۷) ، « فصلنامه علوم اجتماعی » که از سوی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی از سال ۱۳۷۰ تا کنون انتشار یافته است و « نامه انجمن جامعه شناسی » به عنوان نشریه انجمن جامعه

شناسان ایران . علاوه بر این فصلنامه « پژوهش زنان » نیز به عنوان یک نشریه علمی ویژه زنان بررسی شد .

انتشار فصلنامه علوم اجتماعی در سال ۱۳۷۰ و نامه انجمن پس از سال ۱۳۷۰ بوده است . فصلنامه علوم اجتماعی تا زمان بررسی شماره ۱۳ و ۱۴ را منتشر کرد و نامه انجمن هم شماره ۵ را انتشار داد. هر چند که نامه علوم اجتماعی ، نخستین شماره خود را سال ۱۳۴۷ منتشر ساخت اما در دوران بعد از انقلاب اسلامی به دلیل وقفه ای که در انتشار داشت ، از زمستان ۱۳۶۹ به بعد تحت عنوان دوره جدید با شماره اول و شماره مسلسل ۴ چاپ شد و در زمان بررسی ، شماره ۱۸ نیز انتشار یافته بود .

با اندک چشم پوشی می توان گفت که بررسی مجلات تخصصی از سال ۱۳۷۰ به بعد مد نظر است^۲ .

سال ۱۳۸۰ برای نخستین بار فصلنامه « پژوهش زنان » انتشار یافت که تا زمان تنظیم مقاله تعداد ۳ شماره از آن منتشر شده است. با توجه به عنوان نشریه و تاکید بر بررسی موضوع های مربوط به زنان ، این نشریه نیز بررسی گردید اما از آنجا که ویژگی های آن با سایر نشریات کاملاً متفاوت بود ، داده ها به صورت جداگانه ارایه می شود .

روش انجام بررسی

برای انجام بررسی و تعیین سهم زنان در ساختار مجلات به شمارش کمی اطلاعات ارائه شده در هر نشریه اکتفا شد. در بیشتر نشریات ، اطلاعاتی در مورد مدیر مسئول ، سردبیر ، شورای علمی و داوران وجود دارد . در صورت موجود بودن این اطلاعات ، تمام افراد ، شمارش شدند و تعداد زنان و مردان در هر شماره مشخص گردید . سپس شمارش تعداد نویسندگان انجام و طبقه بندی بر حسب جنس صورت گرفت . در مواردی که مقاله دارای دو نویسنده یا بیشتر بود هر دو نویسنده شمارش شدند .

تعداد مقالات هر نشریه (بدون احتساب مقالات مربوط به معرفی کتاب و معرفی پایان نامه ها) نیز شمارش شدند . طبقه بندی مقالات مربوط به زنان در ابتدا با توجه به عنوان مقاله انجام گرفت . یعنی در حله نخست کلیه مقالاتی که در عنوان خود از واژه «زن» و یا «خانواده» استفاده کرده بودند مد نظر قرار گرفتند ، سپس با نگاهی اجمالی به محتوای مقاله سعی شد تا مشخص گردد که متغیر جنس، چگونه مد نظر بوده است .

^۲ در مورد دوره جدید نامه علوم اجتماعی شماره های ۴ و ۵ نه در کتابخانه ها و نه حتی در دفتر خود نشریه وجود نداشت . در نتیجه کلیه شماره های نامه علوم اجتماعی بدون احتساب دو شماره ۴ و ۵ بررسی شدند. در مورد فصلنامه و نامه انجمن، دسترسی به کلیه شماره ها امکان پذیر بود و تمام مجلات بررسی شدند

به این ترتیب چند مقاله هرچند که در عنوان خود از واژگان یاد شده استفاده کرده بودند اما چون از لحاظ محتوا هیچ تأکیدی بر روی زنان نداشتند از مقوله بندی مقالات مربوط به زنان خارج گردیدند. در همان حال چون گمان می رفت که بدون استفاده از واژگان یاد شده نیز می توان در مورد زنان مقاله نوشت، کلیه مقالات، بررسی اجمالی شدند تا هر مقاله ای که به هر عنوانی در مورد زنان تالیف شده مشخص شود.

سپس مقالات مربوط به زنان به صورت جداگانه با توجه به شاخص های زیر بررسی شدند و اطلاعات در مورد جنس نویسنده، سطح تحصیلات و نوع اشتغال گردآوری شد. طبقه بندی در مورد مقالات، صورت گرفت تا مشخص شود که موضوع هر مقاله در مورد کدام گروه از زنان (شهری یا روستایی یا زن به شکل کلی)، کدام حوزه زندگی زن (خانواده، اشتغال، مشارکت سیاسی و...) نوشته شده است و همچنین طبقه بندی در مورد تحقیقی بودن، نظری بودن مقاله نیز انجام گرفت و در صورتی که مقاله بر اساس پژوهش تالیف شده بود، روش تحقیق نیز طبقه بندی شد.

نتایج بررسی

ترکیب شورای علمی

در نشریات مورد بررسی، کلیه مدیران مسئول و همچنین سردبیران مرد بودند. نکته جالب این که حتی فصلنامه «پژوهش زنان» نیز که ناشر آن مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران است و دارای مدیر مسئول مرد است. (به احتمال، رییس وقت دانشکده همیشه مدیر مسئول نشریه است). انتخاب سردبیر از طرف مدیر مسئول صورت می گیرد و مدیر مسئول و سردبیر با توجه به مقررات و قواعد، تعدادی از اعضای هیات علمی را برای شورای علمی مجله (یا تحریریه) انتخاب می کنند که در مورد خط مشی نشریه و گزینش مقالات، تصمیم می گیرند.

معرفی شورای علمی در اوایل، چندان مرسوم نبود ولی به تدریج مجلات گوناگون به معرفی اعضای این شورا پرداختند. به عنوان مثال نامه علوم اجتماعی تا سال ۱۳۷۲ هیچگاه از چنین گروهی نام نبرده است. نامه انجمن هم در دوشماره نخست خود (شماره های ۱ و ۲) و فصلنامه علوم اجتماعی تا سال ۱۳۷۶ تحریریه خود را معرفی نکردند. با وجود این با توجه به مواردی که تحریریه معرفی شده باید گفت تا سال ۱۳۷۹ هیچ زنی در این شوراها وجود نداشت.

شورای علمی نامه علوم اجتماعی تا سال ۱۳۸۱ تنها از اعضای مرد هیات علمی تشکیل شده و هنوز هیچ زنی به این شورا راه نیافته است. در مورد سایر نشریات نیز تا سال ۱۳۷۹ همین امر صدق می کند. در این سال برای نخستین مرتبه یک زن به شورای علمی فصلنامه علوم اجتماعی افزوده می شود.

نامه انجمن در دو شماره نخست خود، شورای علمی را معرفی کرده است اما در شماره های بعدی (۱۳۸۰) از سه زن عضو هیات علمی نام برده بود .

جدول زیر نشانگر ترکیب شورای علمی (تحریریه) در مجلات مورد بررسی است.

جدول شماره ۱. ترکیب شوراهای علمی نشریات گوناگون بر حسب جنس اعضا

ترکیب شورای علمی		نام نشریه
مرد	زن	
٪ ۹۶	٪ ۴	فصلنامه علوم اجتماعی
٪ ۸۵	٪ ۱۵	نامه انجمن جامعه شناسی
٪ ۱۰۰	صفر	نامه علوم اجتماعی
٪ ۹۶	٪ ۴	جمع

ترکیب داوران

گرچه زنان در تصمیم گیری شورای علمی حضور ندارند اما در بخشی دیگر از تصمیم گیری که داورى به صورت گروهی مطرح می شود در حد بالاتری از شورای علمی فعالیت می کنند . جدول شماره ۲ نمایانگر این مشارکت زنان است .

جدول شماره ۲. ترکیب داوران ۳ نشریه بر حسب جنس داوران (درصد)

ترکیب داوران ۳ نشریه بر حسب جنس داوران		نام نشریه
مرد	زن	
۸۷	۱۳	فصلنامه علوم اجتماعی
۸۰	۲۰	نامه انجمن جامعه شناسی
۹۳	۷	نامه علوم اجتماعی
۸۹	۱۱	جمع

داوران زن در هر شماره از مجلات وجود داشتند. با توجه به تعداد شماره ها و تعداد مقالات بازهم بیشترین تعداد داوران زن در فصلنامه علوم اجتماعی و کمترین ارجاع مقاله به داوران زن در نامه علوم اجتماعی بوده است. در برخی شماره های نامه علوم اجتماعی هیچ مقاله ای به داوران زن ارجاع نشده و بالاترین تعداد داور زن هرگز در هیچ شماره بیشتر از ۳ نفر نبود . در صورتی که در فصلنامه علوم اجتماعی به طور منظم از وجود زنان داور بر حسب موضوع ، استفاده شده و حتی این تعداد در یک شماره به ۷ زن داور هم رسیده است .

نامه انجمن نیز در شماره های آخر خود به طور منظم داورى مقالات را به زنان ارجاع داده است. افزایش زنان در مقام داورى به ویژه با توجه به این که تعدادی از مقالات به الزام در رابطه با موضوع زنان نیست ، نمایانگر تخصص زنان عضو هیات علمی در حوزه های گوناگون است که به نسبت تعداد اندک خود در هر دانشکده می تواند نوید دهنده فعالیت آنان باشد .

ترکیب نویسندگان مقالات

در هر مجله ابتدا سعی در مشخص کردن نسبت میان نویسندگان بر حسب جنس شد که در این میان بازهم تامل علوم اجتماعی پایین ترین در صد نویسنده زن را داشت هرچند که تعداد مطلق زنان نویسنده با توجه به تعداد شماره های انتشار یافته بیشتر بود فصلنامه علوم اجتماعی بیشتر از دو نشریه دیگر از نویسندگان زن، مقاله چاپ کرده است. اگرچه در مجموع ۱۳ مقاله به چاپ رسیده اما ۱۴ درصد از کل مقالات را در بر می گرفت. نامه انجمن هم در شماره های خود تعداد ۶ مقاله از نویسندگان زن درج کرده بود.

جدول شماره ۳. نویسندگان بر حسب نشریه و جنس (در صد)

نام نشریه	زن	مرد
فصلنامه علوم اجتماعی	۱۴	۸۶
نامه انجمن جامعه شناسی	۱۲	۸۸
نامه علوم اجتماعی	۱۱	۸۹
جمع	۱۲	۸۸

بطور کلی نتایج بررسی نشان می دهد که در نشریات جامعه شناسی دو سطح متفاوت از تصمیم گیری وجود دارد؛ یکی سطح تصمیم گیری که اعضای آن از طرف مدیر مسئول و سردبیر انتخاب می شوند و تا سال ۱۳۸۰ بر روی زنان بسته بود. درصد سهم بسیار اندک حضور زنان در این سطح تصمیم گیری (۴ درصد) نیز نتیجه اقدام یک نشریه در سال ۱۳۸۰ بود. صورت دوم که در سطوح پایین تر یعنی داوری است از تخصص های زنان استفاده می شود. باید در نظر داشت که با وجود تاثیر ارزشگذاری و نقش داور، اما تصمیم نهایی بر عهده شورای علمی است نه داوران.

تقسیم بندی جنسیتی مقالات

طبقه بندی مقالات بر حسب برخی کلید واژگان و همچنین با نگاهی اجمالی به متن انجام شد و تنها مقالات مربوط به زنان مد نظر قرار گرفته، نه مقالاتی که نویسنده آن زنان بودند. نتایج بررسی نشان می دهد که تمام نویسندگان زن (۳۸ نفر) در مورد زنان مقاله نوشته اند، بلکه به حوزه های دیگری هم پرداخته اند. دوم اینکه برخی نویسندگان مرد، مقاله خود را در مورد مسایل زنان تالیف کرده اند. در همان حال مقالاتی هم با کلید واژگان مورد نظر یافت شد که پس از مطالعه مشخص شد در متن مقاله خود به موضوع زنان نگاهی نداشتند.

جدول شماره ۴. ترکیب مقالات بر حسب موضوع (درصد)

نام نشریه	زنان	مردان
فصلنامه علوم اجتماعی	۱۰	۹۰
نامه انجمن جامعه شناسی	۱۰	۹۰
نامه علوم اجتماعی	۴/۵	۹۵/۵
جمع	۷	۹۳

بررسی مطالعات نشان داد با وجود آن که جامعه شناسی باید به مسایل اجتماعی بپردازد و نیمی از مسایل اجتماعی هر حوزه به زنان مربوط می شود ولی در ۹۳ در صد از موارد که به بررسی یک پدیده پرداخته شده ، افراد جامعه را تنها متشکل از مردان دیده شده است . مثلا در مقاله ای مربوط به آموزش و پرورش ، تنها مسایلی بیان شده که مشکل پسران در جامعه محسوب می گردد. بنابر این آن چه که به نام مشکل دختران در مدرسه وجود دارد باید با عنوانی جداگانه بررسی شود . به نظر نمی رسد که چنین تقسیم بندی در جامعه مطرح باشد زیرا هرچه که در جامعه هست هر دو جنس را در بر می گیرد . البته مشکل هر یک از گروه ها تفاوت دارد .

به این ترتیب می توان جمع بندی کرد که تعداد زنان در دانشکده ها ناچیز و سهم آنان در نوشتن مقالات، ناچیزتر است. اگرچه نگاهی به فصلنامه « پژوهش زنان » دانشگاه تهران شاید خلاف این ادعا را ثابت کند اما باید ابراز تاسف کرد که جامعه شناسی ایران تا کنون زنان را در مقولات خود منظور نداشته و تنها زمانی که در اثر تلاش این گروه اجتماعی ، مسایل آنان مطرح می شود نگاه افراد متفاوت (زنان و مردان جامعه شناس) به این پدیده جلب می گردد.

فصلنامه « پژوهش زنان »

مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران در آذرماه سال ۱۳۸۰ نخستین شماره فصلنامه « پژوهش زنان » را منتشر کرد و تا کنون (پاییز ۱۳۸۱) سه شماره از آن به چاپ رسیده است . به دلیل ویژگی این مجله که از طرف مرکز تحقیقات و مطالعات زنان ارایه می شود می توان از این نشریه به عنوان گواه در برابر دیگر نشریات استفاده کرد و ویژگی آن را مد نظر قرار داد .

شورای علمی فصلنامه « پژوهش زنان »

شورای علمی این نشریه از مدیر مسئول (رییس دانشکده علوم اجتماعی) ، سردبیر و اعضای شورا تشکیل می شود . رییس مرکز (یک زن) به عنوان سردبیر معرفی شده است . این شورای علمی تفاوتی آشکار با سایر نشریات دارد . نخست آنکه از ۱۶ عضو شورای سردبیری تعداد ۱۱ نفر زن و بقیه مرد هستند . از نظر مرتبه علمی اعضا از ۵ نفر که دارای رتبه استادی هستند ۴ نفر زن و یک نفر را مرد تشکیل می دهد . در مرتبه دانشیاری نیز ۲ نفر زن و

در مرتبه استاد یاری هم ۵ نفر زن حضور دارند . تعداد مردان در این رتبه ها ۳ دانشیار و یک استادیار است .

زنان عضو شورای علمی از رشته های متفاوت انتخاب شده اند و این امر نشانه توجه به میان رشته ای بودن مطالعات زنان است. اما به نظر می رسد که مردان شورا بیشتر از جامعه شناسان هستند . هر چند که پیش از این دیده شد مردان جامعه شناس ، علاقه ای به پدیده های مربوط به زنان ندارند، زیرا نویسندگان کلیه مقالاتی که تاکنون در مورد زنان چاپ شده گذشته از دو مورد ، بقیه زن بودند . در مورد نویسندگان نیز در قسمت بعدی مشاهده خواهد شد که علاقه مندی افراد از رشته های دیگر بیشتر از جامعه شناسی است .

داوران و نویسندگان

تعداد داوران زن برای نخستین مرتبه در این نشریه با افزایشی چشمگیر مواجه است. داوران مقالات را ۴۳ در صد زنان و ۵۳ درصد مردان تشکیل داده اند . نکته جالب این که اگر در شماره یکم ، تعداد داوران زن و مرد ، مساوی بود در شماره آخر ، مردان بر زنان پیشی گرفتند . همین موضوع در باره نویسندگان هم به چشم می خورد. در نخستین شماره تعداد زنان نویسنده به مراتب بیشتر از مردان بود (۱۰ زن در برابر ۱ مرد) این رابطه در آخرین شماره برعکس شد و ۹ نویسنده مرد در برابر تنها نویسنده زن دارای مقاله هستند .

جدول شماره ۵. ترکیب داوران «پژوهش زنان» بر حسب جنس داوران و شماره نشریه

شماره نشریه	داوران زن	داوران مرد
شماره ۱	٪ ۵۰	٪ ۵۰
شماره ۲	٪ ۶۱	٪ ۳۹
شماره ۳	٪ ۲۷	٪ ۷۳
جمع	٪ ۴۷	٪ ۵۳

استفاده از داوران زن در شماره سوم، کاهش چشمگیری یافته است هرچند که موضوع مقالات با حوزه های تخصصی زنان مشابهت نیز داشت و به نظر نمی رسد که تنها مردان در آن حوزه ها صاحب نظر هستند .

جدول شماره ۶. ترکیب نویسندگان فصلنامه «پژوهش زنان» بر حسب جنس و شماره نشریه

شماره نشریه	زن	مرد
شماره ۱	٪ ۹۱	٪ ۹
شماره ۲	٪ ۷۳	٪ ۲۷
شماره ۳	٪ ۱۰	٪ ۹۰
جمع	٪ ۵۹	٪ ۴۱

در شماره های یکم و دوم ، بیشتر نویسندگان مقالات را زنان تشکیل می دادند اما در شماره سوم این نسبت به شکل مشخصی برهم خورد و بیشتر نویسندگان، مرد بود. و سهم زنان نویسنده به یک نفر کاهش یافت .

در مورد مقالات ، طبقه بندی ضرورتی نداشت زیرا کلیه مقالات منتشره در این فصلنامه مربوط به زنان است. در مدت کمتر از یک سال ۲۷ مقاله در مورد این گروه چاپ شد که از مجموع مقالات سه نشریه مهم دیگر جامعه شناسی در طول ده سال بیشتر بود . در سه نشریه یاد شده طی ده سال تنها ۱۹ مقاله در مورد زنان به چاپ رسید .

انتشار این فصلنامه با ارائه مقالات متعدد در مورد زنان ، نشان می دهد در این حوزه مسایلی وجود دارد که تاکنون به آن توجه نشده است . تاکید نشریه بر پژوهش زنان سبب شده توجه افراد گوناگون به این حوزه بررسی جلب شود و فعالیت ها و تحقیقات را به این سو هدایت کند . در مورد مقالات، بررسی کیفی صورت نگرفته تا مشخص گردد که از متغیر جنس به چه صورت استفاده شده است و آیا نتایج بدست آمده را می توان در جامعه شناسی برای زنان قرار داد یا خیر . نکته ضروری ، تغییری بوده که حتی در سه شماره مجله قابل توجه است اگر این فصلنامه در ابتدا با توسل به نیروی زنان انتشار یافت در شماره های بعدی با افزایش تعداد مردان در آن و تغییر در ترکیب جنس داوران و نویسندگان روبرو شد .

طبقه بندی موضوعی مقالات

طبقه بندی موضوعی مقالات، مشخص می کند که اشتغال، مهم ترین موضوع مربوط به مسایل زنان را تشکیل می داد. سپس خانواده و همچنین مقالاتی که به بررسی وضعیت زنان به طور عام پرداخته اند.

تقسیم موضوعی ۱۹ مقاله که در سه نشریه جامعه شناسی در باره زنان طی ده سال نوشته شده به شرح زیر است :

اشتغال زنان ۸ مقاله ، خانواده ۳ مقاله ، زنان (عام) ۳ مقاله، توسعه ۱ مقاله، مشارکت اجتماعی ۲ مقاله و آموزش و پرورش ۱ مقاله.

از این ۱۹ مقاله ۶ مورد به بررسی زندگی زنان روستایی و ۶ مقاله به زنان شهری پرداخته بود و بقیه نگاهی کلی به مسایل زنان داشتند. از مجموع مقالات نیز ۴ مقاله به بحث نظری

پرداخته و بقیه نتایج یک تحقیق را دربرمی گرفتند. روش تحقیق به کار گرفته شده در ۱۵ مقاله تحقیقی، شامل: مورد پیمایشی ۵ مورد، بررسی آماری یا بررسی منابع (کتابخانه ای) ۷ مورد، مصاحبه ۳ مورد و استفاده از روش تحقیق کیفی یک مورد بود.

فصلنامه « پژوهش زنان » ۱۹ نویسنده زن و ۱۴ نویسنده مرد داشته است. از زنان نویسنده تعداد ۱۰ نفر عضو هیأت علمی و ۹ نفر دارای مشاغل دیگرند و از میان ۱۴ مرد نیز ۷ نفر عضو هیأت علمی و ۷ نفر دارای مشاغل دیگر هستند.

طبقه بندی موضوعی مقالات در فصلنامه پژوهش زنان

مجموع مقاله های درج شده در فصلنامه « پژوهش زنان » به این شرح طبقه بندی شده اند: خانواده ۴ مقاله، مشارکت زنان ۳ مقاله، مطالعات زنان ۳ مقاله، توسعه ۲ مقاله، اشتغال ۲ مقاله و همسرآزاری ۲ مقاله و در موضوع های دیگر نیز یک مقاله در سه شماره فصلنامه به چاپ رسیده است که عبارتند: زبان، ارتباطات، روش تحقیق، زنان خانه دار، نگرش نسبت به زنان، سیاست، حقوق زنان، تحلیل جنسینی و امور مالی زنان.

در مقالات مورد بررسی ۱۵ مقاله به صورت عام به بررسی مسایل زنان پرداخته اند، تعداد ۴ مقاله در مورد زنان روستایی و ۴ مقاله در مورد زنان شهری و یک مقاله هم در مورد زنان اقلیت (زنان ارمنی) تألیف شده است.

از مجموع مقالات تعداد ۱۲ مقاله به بحث نظری و ۱۵ مقاله به نتایج حاصل از تحقیق اختصاص دارد. روش تحقیق در مقالات پژوهشی، بیشتر کمی و پیمایشی است ولی روش تحقیق کیفی نیز در دو مورد بکارفته است.

بحث و نتیجه گیری

جامعه شناسی به عنوان علمی که باید به بررسی مسایل و مشکلات پدیده های اجتماعی بپردازد از جانب گروه های متفاوت زنان مورد انتقاد قرار گرفت زیرا این علم یا به مسایل خاص زنان که ناشی از تجربه متفاوت در زندگی اجتماعی بود هیچ توجهی نداشت و یا به صورت حاشیه ای به آنان پرداخت. نظریه ها و روش های جامعه شناسی از جانب مردان و براساس مسایل مورد توجه آنان شکل گرفته بود. در نتیجه بررسی های جامعه شناسی تاکنون به طرح مسئله در باره زنان و نه برای زنان پرداخته اند.

این دید مردانه حاکم در جامعه شناسی از طرف ساختارهای موجود در جامعه و شرایط جامعه شناسی تقویت می شود. نخست باید از نوع تدریس در دانشگاه ها نام برد که با تأکید بر نظریه پردازان کلاسیک جامعه شناسی، محیط اجتماعی را از دید مردان توصیف می کند. زنان و مردانی که در دانشگاه درس می خوانند نیز همان دیدی را در مورد مسایل جامعه می آموزند بکار می برند که در آموزش های دانشگاهی به آنان آموخته شده است. در نتیجه در فعالیت های

بعدی خود به عنوان مدرس یا پژوهشگر از همان نظریه ها و روش ها کمک می گیرند و آن را به نسل بعدی خود منتقل می کنند.

نکته دیگر که به عدم توجه به مسایل زنان در جامعه شناسی می انجامد حضور کم رنگ زنان در دانشکده های علوم اجتماعی و در مقام تصمیم گیرنده سازمانی است. نه تنها تعداد مردان جامعه شناس در دانشگاه های علوم اجتماعی بیشتر از زنان است بلکه پست های تصمیم گیری این دانشگاه ها نیز بیشتر از جانب مردان (با محدود استثناء) اشغال می شود. با توجه به جدایی رسمی یا غیررسمی که میان دو جنس زن و مرد در محیط کاری وجود دارد باید در نظر گرفت که ارتباطات میان زنان و مردان در درون دانشکده ها نیز با رعایت فاصله های جنسیتی است. در نتیجه مردان در نوعی روابط شغلی با یکدیگر قرار دارند که زنان به صورت معمول از آن به دور هستند. در مجلات علمی نیز زنان در تصمیم گیری های جمعی (داوری) حضور دارند. و با توجه به آموزش های قبلی خود، شاید در بسیاری از موارد نیز چندان علاقه مند به فعالیت در حوزه زنان نباشند. در نتیجه مقالات خاص زنان در مجلات تخصصی، تعداد کمی را به خود اختصاص می دهد.

آخرین نکته این که حتی زنان عضو هیأت علمی نیز در دو عرصه عمومی و خصوصی درگیر هستند و انجام نقش در دو عرصه متفاوت که در هر صورت بر عهده آنان است از درگیری و اشتغال آنان با مسایل دانشگاهی می کاهد. این امر شاید دلیلی بر عدم تمایل برخی زنان انشگاهی برای عهده دار شدن موقعیت های تصمیم گیرنده در ساختار دانشگاهی نیز باشد. در یک جمع بندی می توان گفت که: دیدگاه مردانه موجود در دانشگاه ها ناشی از آموزش های پیشین، سبب بی توجهی به مسایل خاص زنان می گردد. این دیدگاه از طریق ساختار مردانه، یعنی تعداد بیشتر مردان نسبت به زنان تشدید می شود.

با توجه به عدم حضور زنان در موقعیت های تصمیم گیری، مردان بر اساس آموخته های خود و همچنین تجارب متفاوتی که در زندگی دارند تنها به طرح مسایل مورد نظر خود پرداخته و آن چه که به زنان مربوط می شود در حاشیه قرار می گیرد.

نگاهی به اطلاعات به دست آمده مشخص می کند که سهم زنان عضو هیات علمی در دانشکده های علوم اجتماعی کمتر از مردان (در حدود ۱/۴) است و به صورت مشخص تا پایان سال ۱۳۷۹ هیچگاه در شورای علمی مجلات تخصصی جامعه شناسی حضور نداشتند و از آن سال به بعد تعداد بسیار اندکی وارد این شورا شده اند. زنان، تنها ۱۱ درصد از داوران را تشکیل داده اند، اما ۱۲ درصد از مقالات را زنان تألیف کرده اند. باید توجه داشت که بیش از نیمی از مقالات تألیف شده توسط نویسندگان زن به موضوع و مسایل زنان مربوط می شود. به این ترتیب در حوزه جامعه شناسی حدود ۱۰ سال (نوره مورد بررسی این مقاله) فقط زنان اهمیت مسایل زنان را درک کرده و در مورد آن مقاله نوشته اند. در صورتی که مردان (به جز دو مورد) هیچ یک درباره زنان مطلبی تألیف نکرده اند.

مقالات مربوط به زنان در حدود ۷ درصد از کل مقالات سه مجله تخصصی جامعه‌شناسی را تشکیل می‌دهند. هرچند که این تعداد در مقایسه با کل مقالات، درصد کمی را نمایش می‌دهد اما اگر به موانع ساختاری در راه چاپ چنین مقالاتی توجه گردد، درک خواهد شد آنانی که باتوجه به کلیه مشکلات و عدم پذیرش عمومی موجود، این مقالات را تدوین و ارائه کرده‌اند، به دلایلی طرح چنین مباحثی را در جامعه‌شناسی ایران ضروری تشخیص داده و بر این عمل، پافشاری نموده‌اند.

امروزه می‌توان کمیته‌های گوناگون امور زنان در اکثر وزارتخانه‌ها چاپ نشریات متعدد در مورد زنان، همچنین ایجاد رشته مطالعات زنان در دانشگاه‌ها به عنوان نشانه تغییر در نگرش نسبت به زنان در نظر گرفت. انتشار فصلنامه تخصصی "پژوهش زنان" نیز در همین ارتباط باید مورد توجه قرار گیرد. این دگرگونی در نگرش‌ها و ورود مباحث زنان در جامعه‌شناسی، دلیل مداومت و پایداری زنانی است که در بسیاری از موارد به علت همین پافشاری و مداومت در حاشیه نیز قرار می‌گرفتند.

انتشار فصلنامه "پژوهش زنان" را ناشی از توجه بیشتر به مسایل زنان در جامعه‌شناسی در نظر گرفته شد و در یک نگاه مختصر، مشخص شد که این نشریه در سطح شورای علمی و همچنین داوری از زنان جامعه‌شناس و سایر متخصصین استفاده فراوان کرده است. در شماره‌های یکم و دوم آن نیز هنور اکثر نویسندگان مقالات را زنان تشکیل می‌دادند. اما به نظر می‌رسد که در طول یک سال در ترکیب نویسندگان، تغییراتی حاصل شده که ضمن استقبال از توجه همکاران مرد به این نشریه می‌توان مطالب زیر را ابراز و نتایج کسب شده را به صورت‌های متفاوت تفسیر کرد:

- نخستین تفسیر، اتفاقی بودن این دگرگونی است. زیرا هر نشریه‌ای به مطالبی که به آن می‌رسد وابسته است و در این مورد می‌توان ادعا کرد که در مورد نشریه شماره ۳ مقالات ارسالی بیشتر از جانب مردان بوده است.
- انتشار مجله‌ای تحت عنوان پژوهش زنان باعث شد که مردان "جامعه‌شناس" که تاکنون به مسایل زنان در فعالیت‌های خود توجهی نداشتند به اهمیت مطالب پی برده و در این زمینه مقاله ارائه دهند.

موقعیت شغلی نویسندگان مقالات، مشخص می‌کند که برخلاف تصور، جامعه‌شناسان "مرد" در آخرین شماره چندان فعال نبودند، بلکه بیش از جامعه‌شناسان، افرادی که در موقعیت‌های شغلی گوناگون قرار داشتند و باتوجه به تجارب شغلی خود با مشکلات زنان برخورد کرده بودند با استفاده از دانش علمی و تجارب شغلی، مقاله ارائه داده‌اند. برخی از موقعیت‌ها شامل افراد شاغل در برنامه‌ریزی و توسعه، پزشکی قانونی، حقوق، برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، امور فرهنگی و پیشگیری و... بود. البته هنوز مسایل زنان از دید جامعه‌شناسی به دور مانده و جامعه‌شناسان، کمتر به مسایل زنان می‌پردازند.

می توان به کم کاری زنان در این حوزه نیز اشاره داشت که در ارتباط با ارسال مقالات است. معمولاً هر نشریه ای بطور عام اعضای فعال و دانشجویی را برای ارائه مقاله فرا می خواند و احتمال دارد که زنان در این زمینه به درخواست نشریه پاسخ نداده باشند. زیرا یا زنان با وجود علاقه مندی به تألیف در این زمینه به دلایلی (به احتمال درگیری های متعددی که مردان از آن فارغ هستند) امکان ارسال مقاله برای نشریه را نداشته اند یا اصولاً تمایلی به کار در زمینه مسایل زنان ندارند.

هر چند که تاکید بیشتر بر روی زنان جهت ارائه مقاله و فعالیت در این زمینه به طور حتم برای نشریات و سازمان ها مشکل بوده و وقفه ای در روند حرکت آنان بوجود می آورد، اما باید در نظر داشت که اگر به راستی منظور، طرح مسایل خاص زنان و از دید زنان است، مشکلات موجود بر سر راه زنان را نمی توان نادیده گرفت و شاید بهتر باشد تا زمانی که مشکلات از بین نرفته یا کاهش نیافته اند، سازمان هایی که علاقه مند به طرح مسایل زنان هستند باید راهکارها و شیوه هایی متفاوت با روش مرسوم در پیش گیرند. زیرا امکان دارد هر چند که هدف، بررسی و پژوهش در مورد زنان است اما بار دیگر از طریق استفاده از روش هایی که در ساختار یک سازمان مردانه متداول است، به نتیجه ای بر خلاف خواست و هدف مورد نظر برسد.

منابع:

- Becker Schmidt, R, & H. Bilden. (1995). "Impulse fuer die Qualitative, Sozialforschung aus der Frauenforschung, "In Uwe Flick (Hrsg). Handbuch Qualitative Sozialforschung. Weinheim: Beltz. S.
- Bhavnani, K, (1994). "Talking Racism and the Editing of Women's Studies ". In D. Richardson V, Robinson. (Eds). Introducing Women's Studies. London: MacMillan.